

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

شادی و شیر

شادی رقاصه به فقدان شیر
حکم نمودی به طیور و وحوش
تکیه نمودی به صدر جلال
لیک به آئین شهان سترگ
وارد دربار بشد روبهی
روبه خروشید که شاه جهان
گرگ خبیثی شده در این مکان
چوچه من را که چو گلدسته بود
آمده اکنون قیامت سرم
چاره دردم چو توانی بکن
بوزنه ز جا جست به شاخی بلند
روبه که نظاره به این کار داشت
گفت به شادی که شه پرادا

حاکم جنگل بشدی ناگزیر
روز و شبش بود به خورد و به نوش
در سر آسوده نبودش خیال
رحم نمودی به خرد و بزرگ
روبه پشتمرده افسرده ای
حامی و درمانگر بی کسان
موجب آزار من و دیگران
آمد و با زور ز ندم زدم ربود
آتشی افروخته در پیکرم
بهر خدا هرچه که دانی بکن
شاخ به شاخی بپریدی به چند
آتشی در سینه بیمبار داشت
خیز نمائی همه در شاخه ها

من گله از گـرگ درنده کنم لیک به کـردار تو خنده کنم
شادی بدو گفـت که ای رنجبر آنچـه توقع کنی آرم بسر
جُسته ای از من چـو توان مرا قدرت پنـهـان و عیان مرا
قـدرت من بیش ز جـستن نبود حاجت ازین بیش بگفتن نبود
هر کـرا از بهر کاری ساختند نی ز بوزینه نجـاری ساختند
قدرت من خیز و جستی بیش نیست رهنوردی کار هر درویش نیست

هرکه ز شادی طمـع شیر کرد

زود جهان رنجـه و دلگیر کرد

(المان - 22 سپتمبر 2012)